

مقام صنفی با‌اشاره به خسارت ۲همتی دفاتر مسافرتی: **مردم به تبلیغات گردشگری واکنش تند نشان می دهند**

رئیس انجمن صنفی دفاتر مسافرتی، بـا بیان اینکه فشارهای اجتماعی، مشکلات اقتصادی و کاهش شدید قدرت خرید مردم به‌طور همزمان بر صنعت گردشگری سایه انداخته است، گفت: واکنش‌های تند اجتماعی به تبلیغات توره‌ای گردشگری در فضای مجازی، خودنشانه‌ای از عمق بحران معیشتی و روانی جامعه است. به گزارش خبرنگار ایلنا، حرمت‌الله رفیعی در نشست خبری بررسی وضعیت گردشگری کشور در بحران‌های اخیر، با بیان اینکه صنعت گردشگری همواره در معرض شوک‌های سنگین قرار داشته است، تأکید کرد: امروز گردشگری ایران در وضعیتی قرار دارد که نه‌نشانه روشنی از بهبود دیده می‌شود و نه می‌توان مسیر افول آن را پیش‌بینی کرد. وی با اشاره به تبعات مستقیم این شرایط بر دفاتر گردشگری گفت: تنها دفاتر خدمات مسافرتی در ماه‌های اخیر حدود یک‌همت خسارت مستقیم متحمل شده‌اند و اگر خسارت ناشی از قطع اینترنت و تعطیلی سفرهای مز محاسبه شود، این رقم به دو همت می‌رسد. به گفته او، حتی پس از برقراری دوباره اینترنت نیز بازار گردشگری تحرک خاصی نداشته و بسیاری از دفاتر عملاً در آستانه تعطیلی قرار گرفته‌اند. در این نشست، بخش قابل توجهی از سخنان رئیس انجمن صنفی دفاتر مسافرتی به موضوع فساد و رانت در گردشگری اختصاص داشت.

معرفی نامزدهای دریافت سیمرغ فیلم فجر چهل و چهارم

اسامی نامزدهای دریافت سیمرغ بلورین چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر اعلام شد. هیأت داوران پس از بازبینی ۳۰ فیلم سینمایی، ۱۳ مستند بلند و ۱۳ فیلم کوتاه، روز چهارشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۴ نامزدهای سیمرغ بلورین این جشنواره را اعلام کردند که در برخی بخش‌ها به شرح زیر است:

بهترین موسیقی فیلم: ۱. دوبهشت / آریا عظیمی‌نژاد ۲. اسکورت / اسروش انتظامی ۳. حال خوب زن / نیما امین ۴. زنده‌شور / کران همایونفر

بهترین تدوین: ۱. اردوبهشت / یگانه احمدی ۲. اسکورت / میثم مولایی ۳. حال خوب زن / پویان شعله‌ور ۴. زنده‌شور / اخباریار موحیدیان ۵. سرزمین فرشته‌ها / اسماعیل علیزاده ۶. قمارباز / حسین جمشیدی گوهری، لیلی نوروزی

بهترین فیلمبرداری: ۱. اردوبهشت / وحید ابراهیمی ۲. اسکورت / امیلاد پرتوی ۳. پل / داود محمدی ۴. خواب / مسعود سلامی ۵. سرزمین فرشته‌ها / علیرضا پیرازنده ۶. کوچ / داود رحمانی ۷. نیم‌شب اهدای بهروز

بهترین بازیگر مکمل مرد: ۱. اردوبهشت / شهرام حقیقت‌دوست ۲. اردوبهشت / اصغر همت ۳. استخر / علیرضا خمسه ۴. پل / سعید افقانی ۵. زنده‌شور / امیر جعفری ۶. قایق‌سواری در تهران / امین حیایی ۷. کوچ / نادر افلاح

بهترین بازیگر مکمل زن: ۱. تقاطع نهایی / گیتی قاسمی ۲. حاشیه امیر / ارفعینا ۳. خیابان جمهوری / فاطیما بهارمست ۴. زنده‌شور / امارال فرجاد ۵. زنده‌شور / رویا جوادینیا ۶. غوطه‌ور / مجاهدقنایی

بهترین بازیگر اصلی مرد: ۱. اردوبهشت / حامد بهداد ۲. استخر / امین حیایی ۳. پل / روح‌الله زمانی ۴. خواب / رضا علطاران ۵. زنده‌شور / بهرام افشاری ۶. غوطه‌ور / محسن قصابیان ۷. نیم‌شب / احسان منصوری

بهترین بازیگر اصلی زن: ۱. اردوبهشت / ستاره یسائی ۲. بیلورد / آناهیتا درگاهی ۳. حال خوب زن / مهتاب ثروتی ۴. خواب / مرلازارعی ۵. خیابان جمهوری / الناز ملک ۶. سرزمین فرشته‌ها / سولاف قواخرجی ۷. کافه سلطان / آرتاحاجیان

بهترین فیلم‌نامه: ۱. اردوبهشت و زنده‌شور / محمد داودی، کاظم دانشی ۲. حال خوب زن / امهدی برزکی ۳. خواب / پژمان تیمورتاش، مانی مقدم ۳. سرزمین فرشته‌ها / بابک خواجه‌پاشا ۵. قایق‌سواری در تهران / ایمان قاسم‌خانی ۶. قمارباز / بهجت شریف ۷. نیم‌شب امهدی بزدانی خرم‌اعظم بهروز

بهترین کارگردان: ۱. اردوبهشت / محمد داودی ۲. اسکورت / یوسف قاسمی ۳. زنده‌شور / کاظم دانشی ۴. سرزمین فرشته‌ها / بابک خواجه‌پاشا ۵. قایق‌سواری در تهران / روح‌اله سپهری ۵. قمارباز / اسجاد نصر‌اللهی نسب ۶. کوچ / امهدی مطهر ۷. نیم‌شب / حبیب‌اله‌والی نژاد

بهترین کارگردان فیلم‌اول: ۱. اردوبهشت / محمد داودی ۲. بیلورد / اسعیددشتی ۳. حاشیه / محمد علیرادفر ۴. حال خوب زن / امهدی برزکی ۵. غوطه‌ور / اجواد خگمی ۶. قمارباز / محسن بهاری ۷. کوچ / محمد اسفندیاری

بهترین کارگردان فیلم کوتاه: ۱. آدمک / سیاوش جرجستانی ۲. تخطی / امیکایل دپائی ۳. سر خرگ / محمد مهدی گنجی ۴. زندگی برای همه / محسن آصف‌پور **بهترین کارگردانی مستند:** ۱. آگیبر / محمدصادق اسماعیلی ۲. برای دخترم / امهدی عوض‌زاده ۳. جنگل قائم / حامد سعادت ۴. نامش زن / امار یاماموتی

از پروژه‌های مورد توجه این سرویس تبدیل شده است. به گزارش ددلاین آنالیز، آنادا رابلس و جنیفر کلدلی در مذاکرات پائینی برای ایفای نقش‌های محوری این مینی سریال هشت‌قسمتی حضور دارند؛ اثری در ژانر تریلر جاسوسی بین‌المللی که بر اساس رمان پرفروش دن فیسبرمن ساخته می‌شود. «خانه‌های امن» روایتگر ماجرای پیچیده پس از کشته‌شدن یک افسر بلندپایه سازمان سیا در مادرید است؛ حادثه‌ای که پای دوزن یک کانون یک‌بحران بین‌المللی بازمی‌کند.

تقابل گفتمان‌های سیاسی و اخلاقی در ویتربن سینمای دولتی ایران؛

جشنواره فجر در محک سکوت و اعتراض



می‌توان تخمین زد که هر گفتمان سهم تقریبی زیر را از کل محتوای منتشر شده (با محوریت جشنواره فجر) داشته‌است:

- غلبه گفتمان‌های مخالف و تخریبی:** حدود ۷۵ درصد از محتواها یا مخالف صریح جشنواره هستند (اخلاقی-شهادتی) یا با تمرکز بر حمله به افراد حاضر (تخریبی -افشاگرانه). این نشان‌دهنده ضعف حضور گفتمانی حامیان در فضای مجازی پیرامون این رویداد است.
- کم‌رنگ‌تر بودن صدای حامیان:** گفتمان دفاع از جشنواره (ملی-مقاومتی) تنها حدود یک‌پنجم از محتوا را تشکیل می‌دهد. این می‌تواند نشان‌دهنده ضعف حضور گفتمانی حامیان در فضای مجازی عمومی (مثلاً توئیتر) یا تمرکز آنها بر پلتفرم‌های رسمی‌تر باشد.
- اهمیت گفتمان تخریبی:** سهم بالای

چهره‌های شاخص	هسته مرکزی گفتمان	جهت‌گیری کلان	گفتمان غالب
الناز شاکردوست، هومن سیدی، امیر جدیدی، سهراب پورناظری	هنر در فقدان آزادی، ناگزیر باید سیاسی باشد. شرکت در جشنواره حکومتی، همدستی با سکوت در برابر کشتار و خیانت به مردم قربانی است. وفاداری نخستین هنرمند به حقیقت و انسان‌هاست، نه نهادها.	مخالفت رادیکال و تحریم	اخلاقی شهادتی
محمدحسین مهدویان، منوچهر هادی، الناز ملک، جواد رضویان	هنر باید در خدمت تاب‌آوری ملی باشد. در بحران، تعطیلی فعالیت‌های فرهنگی پیروزی دشمن است. هنرمند واقعی، ترسو نیست و در میهن خود می‌ماند و کار می‌کند. وفاداری به "ایران" (در تعریف حکومتی) بر هر چیز دیگری مقدم است.	حمایت تمام‌قد و مشارکت	ملی مقاومتی
متمرکز بر افراد خاص مانند منوچهر هادی و الناز ملک	شکل، صرفاً حضور در جشنواره نیست؛ مشکل، ذاتی شرکت‌کنندگان است. این گفتمان با افشای زندگی شخصی، ارتباطات مالی یا تناقض گفتار و کردار، به دنبال بی‌اعتبارسازی اخلاقی عمیق چهره‌های حاضر است.	تمرکز بر شخص‌زدایی و اتهام	تخریبی-افشاگرانه

درباره نمایش «رساله‌ای در باب هنر مرگ یا کودوکوشی»امیر شمس تئاتر به مثابه امکان تربیت احساسات ناب بشری

فیلسوفی چون «مارتاسی-نوسبام» در کتاب «احساسات سیاسی» متذکر می‌شود که «همه جوامع باید به شققت در برابر فقدان، خشن نسبت به بی‌عدالتی، و محدود کردن حسادت و انزجار به نفع همدلی فراگیر بیندیشند.» او در ادامه اضافه می‌کند که در جوامع لیبرال که در پی عدالت و فرصت برابر برای همگان است، پرورش سیاسی احساسات مهم بوده و در راستای ایجاد تعهد به پروژه‌هایی مبتنی بر فداکاری و باز توزیع اجتماعی منابع، همچنین ادغام گروه‌های پیش‌تر طردشده و به حاشیه رانده‌شده به دیگر سخن، احساسات سیاسی می‌باید به مثابه امکانی در جهت تحقق اجتماع ایده‌آل انسانی عمل کند و در پی حفاظت از محیط زیست و دفاع ملی در برابر دشمنان خارجی باشد.

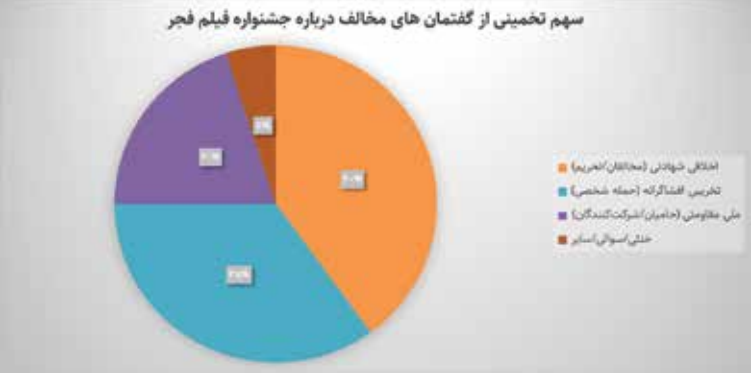
به هر حال نباید از یاد برد که اغلب افراد گرایش به تنگ‌نظری در مقوله همدلی داشته و به سهولت در خودشفیفتگی خویش محصورند و منافع جمعی را قربانی منفعت شخصی می‌کنند. بنابراین در یک جامعه شایسته و سامان یافته، پرورش احساسات بشری می‌بایست بیش از این‌ها مهم تلقی شده تا شهروندی مسئول در قبال دیگران تربیت شوند.

به‌واقع که در زمانه غم‌های بزرگ فردی و کم‌مایگی خویش‌بینی‌های همگانی، بیش از پیش می‌باید به عواطف انسانی توجه داشت و فی‌المثل «خشم، ترس، همدلی، انزجار، حسادت، گناه، اندوه و گونه‌های مختلف عشق بشری» را در نظر گرفت که چگونه نسبت ما را با بقیه انسان‌ها تنظیم می‌کنند و به‌فراخور حوادث سیاسی و تلاطمات اجتماعی، رنگ و بوی تازه به خودمی‌گیرند.

پس جای تعجب نخواهد بود که نهاد اجتماعی تئاتر با توجه به امکان‌ها و ظرفیت‌های پیدا و پنهانش، در این مسیر به کار آید و جهان را بر آبی نوع بشر قابل زیستن کند. بی‌شک انسان امروز در اکثر جوامع به دلایل مختلف فردی و ساختاری، این احساس را تجربه می‌کند که چندان که باید از مواهب زندگی برخوردار نبوده است. پس می‌توان برای کم کردن رنج همگانی، به امکان‌های هنر نمایش بانگاهی زیباشناسانه و انتقادی رجوع و برای اخلاقی بودن تلاش کرد و با نیروی خشونت‌پرهیزی، قدمی موثر در کاهش خشونت و برآمدن هویت‌های انسانی مبتنی بر تکرر گرای و رواداری برداشت.

بـا این مقدمه کمابیش طولانی، می‌توان بانگاهی قفانگرانه که در حوادث تلخ دی ماه ۱۴۰۴ نظری تازه افکند و به میانجی پرشش را مطرح کرد که آیا هنرهای نمایشی این فرصت و امکان را می‌توانند فراهم کنند که به قول مصطفی ملکیان «تقلیل مرارت و

تقریر حقیقت» ممکن شود. شون‌بختانه که در دی ماه گذشته، نام یکی دو بازیگر جوان تئاتر در میان تماشاگران مشاهده شد و جامعه هنری را متاثر کرد، از پس دی ماه تلخ امسال که خشونت اوج گرفت و زندگی اجتماعی را به محاق برد،



۹۸»، «دی ۱۴۰۴»، یا حتی سر نوشت هنرمندان تبعیدی مانند بهرام بیضایی، هشدار می‌دهد که «امروز» تکرار «دیروز» است و شرکت در جشنواره، ادامه همان همکاری تاریخی با حاکمیت است. این روایت، حافظه تاریخی را به‌سلاحی علیه‌فراموشی اجباری تبدیل می‌کند.

روایت افشاگرانه: اقتصاد سیاسی سینما: تعدادی از توثیث‌ها به‌صورت مشخص به مسئله بودجه و رانت می‌پردازند. اشاره به اینکه فیلم‌های برخی کارگردانان (مانند مهران احمدی) توسط نهادهای امنیتی-نظامی مانند «سازمان اوج» سرمایه‌گذاری شده، تلاش دارد نشان دهد دفاع از جشنواره، ریشه در وابستگی مالی دارد، نه اعتقاد ایدئولوژیک محض. این روایت، گفتمان «هنر برای هنر» یا «وظیفه ملی» را به معامله اقتصادی تقلیل می‌دهد.

جمع‌بندی نهایی

جنگ روایت‌های حول جشنواره فجر، نبرد نری برای تعریف مجدد ماهیت «تعهد» هنری در ایران معاصر است. از یک سو، گفتمان اخلاقی شهادتی، تعهد را به معنای وفاداری به مردم و حقیقت، حتی به قیمت حذفان سیستم‌رسمی، بازتعریف می‌کند؛ از سوی دیگر، گفتمان ملی مقاومتی، تعهد را به معنای وفاداری به دولت-ملت و تسادوم کار در چارچوب موجود می‌داند.

این تقابل، چندی‌پایم‌د کلیدی دارد: **شکاف نسل‌ها و جایگاه‌ها:** به نظر می‌رسد بخشی از نسل جدیدتر با آن دسته از هنرمندان که جایگاه‌های مستحکم‌تری دارند، به‌ویژه بیشتر به سمت گفتمان تحریم گرایش دارند، در حالی که بخشی از سیستم رسمی یا وابستگان به آن، از گفتمان مقاومت دفاع می‌کنند.

بین‌المللی شدن اعتراض: استفاده از هشتگ‌هایی چون IranMassacre و خطاب به «دنیا»، نشان می‌دهد این گفتمان کشی فقط یک بحث داخلی نیست، بلکه برای جلب افکار عمومی جهانی نیز طراحی شده‌است.

فشار بر هنرمندان میانه: این دو گانه‌سازی شدید (یا ماما، یا بعلیه‌ما)، فضای میانه‌روی را به شدت محدود کرده‌است. هنرمند می‌باید «ترسو» خوانده شود یا «خائن به‌خون».

در نهایت، جشنواره فیلم فجر ۱۴۰۳، به نماد یک گذار تبدیل شده‌است. گذار از دوره‌ای که سیاست و هنر می‌توانستند تاحدی از هم جدا باشند، به دوره‌ای که هر انتخاب هنری، ناگزیر یک بیانیه سیاسی برخطر محسوب می‌شود. نتیجه

این نبرد، نه تنها سر نوشت یک جشنواره، که تعریف بسببسیاری از توثیث‌های مخالف، با راجع به تاریخ سعی در مقابله با عادی‌سازی دارند. اشاره به «کشتار



رنگ می‌بازد تا این نکته عیان شود که این بازیگران بر صحنه، زیست جهان متناقض نمای خویش را به نمایش می‌گذارند. راجع به متون مختلف ادبی، النفاط گرای پسامدرنیستی یک اجرای آماتوری که در دقایقی به واقع حرف‌های ورشک‌بر انگیزی می‌شود، به همراه گروه جوانی که همدلانه با یکدیگر مشغول ساختن تئاتر هستند، تمامی آن چیزی است که می‌توان بر این اجرا الصاق کرد و هنگام تماشایش کیفور شد.

صد البته این اجرا در لحظاتی دچار شکست شده و نمی‌تواند بیش از این به منطق رادیکالش در رابطه با بحرانی کردن اشکال مختلف هر نوع سلطه وفادار بماند. مادر انتها وقتی یکی از بازیگران از صحنه خارج شده و این بار در قامت یک استاد متکبر تئاتر بازمی‌گردد و بیش از آن که پیامود، طعنه می‌زند، موضع این اجرا تاجدودی آشکار می‌شود. ورود استاد تلنگری است که روایت را از وقعه و بازنگوشی تهی کرده و بقولی «سربه‌راه» می‌کند. اما این انتظام‌بخشی اقتدار گرانه، چهره فرادستانه استادی را نمایان می‌کند که فرمان می‌راند و اطاعت می‌خواهد. این اجراء دیه‌ای است علیه این اقتدار پوشالی و تقلایی شورمندانه در ستایش تمر دوسر پیچی.

در نهایت می‌توان گفت: امیر شمس با بهرام اهاز یگرانی چون مهدی ابو حمزه، سحر مصباح، مجید عیوضی، دل‌آر اخدای و حامد عابدی در پروژه‌ای جسورانه که در تریخ داده در حاشیه‌ها باقی بماند و علیه تئاتر بدنه شورش کند، توانسته بار دیگر احساسات مخاطبان را خطاب کند و جهانی تازه و پارادکسیکال خلق کند که در اوج آماتور بیسم، مسئولانه و لذت‌بخش و فراموش نشدنی است. رساله‌ای در باب هنر مرگ و صد البته مقاومت.